بسم الله الرحمن الرحیم

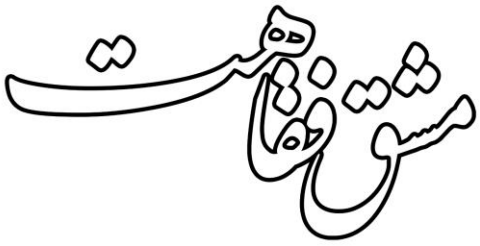
مشق فقاهت

دوفصلنامهٔ علمی ـ تخصّصی
سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۵

صاحب امتیاز: **مدرسه عالی حوزوی ائمه اطهار علیهم‌السلام**
مدیر مسئول: **محمدرضا فاضل کاشانی**
سردبیر: **محمدعلی قاسمی**
مدیر تحریریّه: **حامد اسدی**

هیئت تحریریّه (به ترتیب حروف الفبا):
علی اسلامی‌فر / حامد اسدی / سیدجواد حسینی گرگانی
حامد خادم الذاکرین / احمدرضا خسروی
محمّدعلی قاسمی / محمدرضا فاضل کاشانی

مدیر اجرایی: حامد خادم الذاکرین
ویراستار: مجتبی شیخی
مترجم (انگلیسی) و (عربی): مجتبی شیخی
طرّاح جلد: حمیدرضا پورحسین
صفحه‌آرا: صفرعلی اخلاقی

نشانی: قم، میدان معلّم، مرکز فقهی ائمّه اطهار علیهم‌السلام، دفتر دوفصلنامهٔ مشق فقاهت
تلفن: ۳۷۷۴۹۴۹۴ـ۰۲۵ ـ دورنگار: ۳۷۷۳۰۵۸۸ـ۰۲۵
قیمت: ۱۵۰۰۰۰۰ ریال

The Nature of Obligations for Maintaining Social Order: An Analysis of Their Evidentiary Bases and Instances

Hossein Ahmadi [1]
Abolfazl Razi [2]

Abstract

This article examines the nature of *wājibāt niẓāmiyyah* (obligations necessary for maintaining social order), the evidence establishing their obligatory character, and their various instances in Islamic jurisprudence. It first clarifies the nature of these obligations, demonstrating that they encompass duties incumbent upon the government and individuals to preserve the orderly functioning of people's livelihoods and ensure public welfare. It then analyzes the scriptural and rational grounds for these obligations, establishing their obligatory character through scriptural evidence, rational arguments, and jurists' views. Finally, it closely examines their various instances, including ensuring security, protecting borders, securing economic resources, providing a healthcare system, and addressing other essential matters that contribute to public health and welfare. The findings indicate that these obligations must be effectively fulfilled under Islamic government to establish order, prevent chaos, and meet society's basic needs.

Keywords: *wājibāt niẓāmiyyah*; analysis of legal nature; scriptural and rational evidence; instances of obligations for maintaining social order.

سال چهارم | شماره هفتم
بهار و تابستان ۱۴۰۵

1. Corresponding author; student at the Aʾimma Aṭhār Jurisprudence Center; ali19993907@gmail.com
2. Director of Educational Jurisprudence, Aʾimma Aṭhār Jurisprudence Center; abolfazlrazi65@gmail.com

دوفصلنامهٔ علمی ـ تخصّصی
سال چهارم، شماره هفتم (بهار و تابستان ۱۴۰۵)
تاریخ ارسال: ۱۴۰۵/۰۳/۱۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۱/۳۰

ماهیت شناسی واجبات نظامیه و تحلیل ادله و مصادیق آن

حسین احمدی[۱]
ابوالفضل رضی[۲]

چکیده

این مقاله به بررسی ماهیت واجبات نظامیه، ادله وجوب آن‌ها و تحلیل مصادیق مختلف آن در فقه اسلامی می‌پردازد. ابتدا ماهیت واجبات نظامیه تبیین شده و نشان داده می‌شود که این واجبات به وظایفی اطلاق می‌گردند که به‌منظور حفظ نظم معیشت مردم و تأمین رفاه عمومی جامعه بر عهده حکومت و افراد قرار می‌گیرد. سپس، ادله شرعی و عقلی وجوب این واجبات مورد تحلیل قرار گرفته و با استناد به دلایل شرعی، عقلی و نظرات فقها، وجوب این وظایف روشن می‌شود. در نهایت، مصادیق مختلف واجبات نظامیه نظیر تأمین امنیت، حفاظت از مرزها، تأمین منابع اقتصادی، نظام بهداشت و درمان، و سایر امور ضروری که در حفظ سلامت و رفاه عمومی تأثیرگذارند، به‌طور دقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که واجبات نظامیه باید در حکومت اسلامی به‌طور مؤثر اجرا شوند تا موجب ایجاد نظم، جلوگیری از هرج و مرج و تأمین نیازهای اساسی جامعه گردد.

واژگان کلیدی: واجبات نظامیه،ماهیت شناسی،ادله شرعی وعقلی، مصادیق واجبات نظامیه

---

۱. دانش پژوه مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام، (نویسنده مسئول)، ali19993907@gmail.com
۲. مدیر فقه تربیت مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام، abolfazlrazi65@gmail.com.

۱. بیان مسئله

واجبات شرعی در یک تقسیم با نگاه به جنبه اجتماعی یا انفرادی بودن موضوع، به دو دسته تقسیم می‌شوند.

دسته‌ای از واجبات برای تحقق مصالح آحاد مکلفین و یا دفع مفاسد آنها تشریع شده‌اند؛ و برخی دیگر از واجبات به دلیل اهمیت آثار مثبت یا منفی که برای اجتماع در صورت انجام یا ترک آن بوجود می‌آید، محکوم به وجوب شده و ملاک اصلی در وجوب آنها، همان مصالح و مفاسد عمومی جامعه است. این واجبات به دلیل نقش حیاتی‌شان در حفظ ساختار وجودی و استحکام نظم اجتماعی، اجتناب‌ناپذیر و ضروری تلقی می‌گردند. درک این تقسیم بندی با مراجعه به احکام متنوع فقهی کار آسانی است اما مسئله اصلی تعریف و تبیین این گروه از واجبات است که در تحقیق پیش رو با عنوان «واجبات نظامیه» از آن یاد می‌شود.

ابهامات اساسی برای تبیین ماهیت واجبات نظامیه وجود دارد؛ در یک جمله می‌توان مسئله اصلی را این چنین بیان کرد که واجبات نظامیه چه تعریفی دارند؟ برای تحلیل این سوال می‌توان از سوالات فرعی دیگری یاری جست؛ منظور از «نظام» چیست و چه عناصری از امور جامعه را در بر می‌گیرد؟ آیا صرفاً به نظم اقتصادی اشاره دارد، یا جنبه‌های دیگری مانند نظم سیاسی و اجتماعی را شامل می‌شود؟

چرا این گزاره‌ها به عنوان «واجب نظامیه» معرفی شده‌اند؟ آیا مبنای وجوب آن‌ها درک عقل است یا دلیل مصرَّح شرعی؟با توجه به این موارد دارای چه مصادیقی است؟

تحقیق پیش رو درصدد است پاسخ این سوالات را جستجو و در پرتو آن، مسئله اصلی یعنی ماهیت واجبات نظامیه وادله ومصادیق آن را روشن سازد. از آنجا که واجبات نظامیه می‌تواند تطبیقات فراوانی در جامعه داشته باشد و محل اجرای احکام اسلامی قرار گیرد طبعا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد بود. شناخت دقیق ماهیت این واجبات، که در پاسخ به سؤال "ما هو" ارائه می‌شود (طباطبایی، ۱٤٤۲، ص٦۷). برای فهم بهتر و اجرای کاملتر احکام شرعی ضروری است. نویسنده با توجه به این اهمیت، برآنست که به ابعاد مختلف مسئله بپردازد چنانکه تاکنون این موضوع به صورت جامع مورد بحث قرار نگرفته است.

در باب ماهیت شناسی واجبات نظامیه و تحلیل ادله و مصادیق آن به صورت مبسوط پژوهشی یافت نشد؛ البته از جمله افرادی که به طور اجمالی به فروعات این بحث پرداخته‌اند می‌توان به شیخ انصاری﵀ در کتاب مکاسب (انصاری،۱٤۱۵، ج۲، ص۱۳۷) و محقق اردبیلی﵀ در کتاب مجمع الفائده والبرهان (اردبیلی، ۱٤۱٦، ج۸، ص۸۹) و سید علی حسینی در مقاله قاعده فقه حرمت اختلال نظام و کاربرد آن در حوزه ارتباطات و رسانه، اشاره نمود (حسینی، سید علی، ۱۳۹۲). در این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی، ماهیت شناسی واجبات نظامیه و تحلیل ادله و مصادیق آن انجام می‌گیرد به‌طوری که در گام اول تعریف واجب و اقسام آن ارائه شده تا چرایی تسمیه واجبات نظامیه به واجب روشن گردد. سپس گزاره «نظام» تحلیل خواهد شد تا راه تطبیق آن بر مسائل مختلف هموار شود. سپس ادله و مصادیق آن بیان می‌شود.

۲. تعریف واجب

در فقه اسلامی تمام رفتارهای مکلفین محکوم به یکی از عناوین پنجگانه می‌باشد؛ رفتاری که از مکلف سر می‌زند از این پنج حالت خارج نیست؛ یا فعل و ترک آن عمل مساوی است و هیچ کدام بر دیگری ترجیحی ندارد که در این صورت حکم اباحه بر آن فعل مترتب می‌شود و یا اینکه یک طرف بر دیگری ترجیح دارد. که در این صورت براساس شدت و ضعف ترجیح، حکم آن متفاوت خواهد شد.

اگر جانب ترک فعل ترجیح داشته باشد، به طوری که به حد الزام و ضرورت برسد، انجام عمل حرام و ترکش لازم است. اما اگر ترک فعل به این حد ضرورت و الزام پیدا نکند، اصطلاحاً آن عمل مکروه نامیده می‌شود.

از سوی دیگر اگر ارتکاب آن فعل به حدی رجحان پیدا کند که از نظر شارع مکلف ترخیص در ترک نداشته باشد، این عمل، واجب نامیده می‌شود. در غیر این‌صورت انجام عمل استحباب دارد و به آن عمل اصطلاحا مستحب گفته می‌شود. در مورد تعریف فنی «واجب» عبارات و جملات مختلفی ارائه شده است از جمله اینکه «واجب عبارت است از فعل یا ترک که به آن بعث شدید تعلق گرفته است» (مشکینی،۱۳۷٤، ص۲۷۵).

با توجه به این تعریف می‌توان گفت واجبات نظامیه از آن جهت که متعلق بعث

شدید واقع شده و از نظر شارع راهی برای ترک آن وجود ندارد، اصطلاح واجب بر آن صادق می‌کند. اما اینکه از چه رو به آنها بعث و طلب تعلق گرفته قابل بررسی است که در ادامه مقاله به آن پرداخته می‌شود.

۳. اقسام واجب

فعل واجب در علم اصول از جهات گوناگون تقسیم می‌شود و مناسب است بعضی از این تقسیمات در این مجال ذکر شود؛

۱ـ۳. واجب عینی و کفایی

در تعریف واجب عینی و کفایی اینگونه گفته شده که واجب عینی عبارت است از فعلی که انجام آن بر هر مکلفی ضروری و لازم است و به وسیله انجام یک نفر، تکلیف از بقیه ساقط نمی‌شود؛ مانند نمازهای یومیه و روزه ماه مبارک رمضان که انجامش بر تک تک مکلفین در صورت تحقق شرایط تکلیف، واجب است.

در مقابل این قسم، واجب کفایی قرار می‌گیرد؛ عملی که از هر مکلفی سربزند کافی است و تحقق آن به طور کلی مطلوب و مقصود شارع بوده و خصوصیت مکلف ملحوظ نیست. به طوری‌که با انجام بعضی از مکلفین از باقی آنها تکلیف ساقط می‌شود؛ مانند نماز، غسل و دفن میت که لازم نیست تک تک مکلفین آن را به صورت مجزا انجام دهند (مظفر، ۱٤۳۰، ص۱۲۳). بله در ابتدای امر، عمل برای هر مکلفی که شرایط امتثال را دارد، واجب است ولی اقدام یک نفر از مکلیفن و انجام کامل آن، موجب اسقاط تکلیف از سایرین می‌شود.

هرچند در نگاه اول واجبات نظامیه به واجبات کفایی شباهت و قرابت بیشتری دارند و به نظر می‌رسد که با انجام عده ای، از دیگران ساقط میشوند اما با توجه به عبارت برخی از فقهاء معلوم می‌شود که در میان واجبات نظامیه از هر دو گروه واجب کفایی و واجب عینی وجود دارد. (اصفهانی،۱٤۰۹، ص۲۱۲ ؛ قزوینی،۱٤۲٤، ص۳۸۵؛ بحرالعلوم،۱۳٦۲ه ش، ج۲، ص۵؛ شهید ثانی،۱٤۱۳، ج۳، ص۹؛ طباطبائی، ۱٤۱۸، ج۸، ص۱۸۰).

یکی از مصادیق واجبات نظامیه طبابت است که به نحو واجب کفایی بر مکلفین واجب شده به‌طوری که اگر تعدادی از مکلفین این مهم را بر عهده گیرند وجوبی برای دیگران باقی نمی‌ماند.

انجام وصیت و سفارشات میت در بعضی از فروض آن از مصادیق واجبات نظامیه است که ممکن است بر وصی وجوب عینی پیدا کند. این مورد می‌تواند مصداق واجب عینی از واجبات نظامیه مطرح شود (بحر العلوم، ۱۳٦۲، ج۲، ص٤۱).

۲ـ۳. واجب نفسی و غیری

تقسیم دیگری نیز از واجبات با محوریت استقلال و وابستگی وجوب عمل مطرح است. آن دسته از واجبات که وجوبشان به خاطر تحقق واجب دیگر صادر نشده باشد، واجب نفسی نامیده می‌شوند؛ در مقابل واجب غیری که به خاطر رسیدن به واجب دیگر تشریع شده‌اند. (صدر، ۱٤۱۷ق، ج۵، ص۱۷۳)

با توجه به اینکه «حفظ نظامِ» زندگی مردم گزاره‌ایست که وجوبش از ادله عقلی و نقلی قابل اثبات است لذا اگر عملی مقدمه این حفظ نظام بشود، وجوب مقدمی و غیری پیدا می‌کند. به همین جهت عده ای از محققین معتقدند که وجوب در واجبات نظامیه نفسی و استقلالی نیست بلکه جنبه غیری دارد. (حسینی عاملی، ۱٤۱۹، ج۱۲، ص۳۰۳).

۳ـ۳. واجب مطلق و مشروط

عمل واجب در مقایسه و ملاحظه با هر چیز دیگر دو حالت پیدا می‌کند. اگر وجوب عمل متوقف و مشروط به آن شیء دیگر نباشد، در این صورت واجب را واجب مطلق می‌گویند. و اگر وجوبش متوقف و مشروط به آن عنوان دیگر باشد، وجوب مشروط نامیده می‌شود. (آخوند خراسانی، ۱٤۰۹، ص۹۵).

وجوب نماز در ملاحظه با روزه، وجوب مطلق است. به این معنا که وجوب نماز ارتباطی با روزه ندارد. واجب بودن نماز متوقف بر روزه یا وجوب روزه نیست. اما وجوب حج متوقف بر استطاعت است. اگر شخص مستطیع نشود، اصلا حج بر او وجوب پیدا نمی‌کند.

بعضی از محققین معتقدند که واجبات نظامیه می‌توانند وجوب مشروط داشته و مثلا متوقف به دریافت اجرت باشند. ایشان از این طریق به دنبال حل مشکل اخذ اجرت بر واجبات شده‌اند. شیخ انصاری﵀ در کتاب مکاسب به این نظریه اشاره

کرده و در جواب آن معتقد شده اند که این واجبات از قبیل واجبات مطلق هستند و مشروط به چیزی نمی‌باشند. بلکه علت وجوب این گزاره‌ها اقامه نظام است که خود آن از واجبات مطلق است (انصاری، ۱٤۱۵، ج۲، ص ۱۳۹- ۱٤۰).

در نتیجه این تقسیمات باید گفت به نظر می‌رسد این واجبات، در اصل به صورت کفایی بر عموم کسانی که توانایی انجام آن را دارند، واجب و لازم می‌شود و در صورتی که من به الکفایه وجود نداشت، به صورت عینی برای سایر افراد جامعه وجوب پیدا می‌کنند. همچنین وجوب این گزاره‌ها، مطلق بوده و اصالةً متوقف بر تحقق چیز دیگری نمی‌باشد.

۴. تبیین واژه «نظام»

چنانکه گفته شد برای شناخت ماهیت واجبات نظامیه تبیین واژه «نظام» ضرورت دارد. طبعا لازم است از جهتی معنای لغوی گزاره به دقت مورد بررسی قرار گیرد و از جهت دیگر استعمالات این کلمه در اصطلاحات مختلف توضیح داده شود. تا به صورت معین معنا و مفهوم این عبارت کشف و در نتیجه جایگاه آن در «واجبات نظامیه» روشن شود.

۱ـ۴. معنا لغوی نظام

کلمه نظام در لغت به معنای نخی است که دانه‌های مروارید را به آن می‌کشند (خلیل ابن احمد، ۱٤۰۹، ج۸ ص ۱٦٦ و بستانی،۱۳۷۵، ص۹۲۰).

همین معنای لغوی در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام به کار رفته است؛ آنجا که حضرت در مقام مشورت به عمر بن خطاب درباره جنگ با فارس‌ها می‌فرماید: «مَكَانُ الْقَيِّمِ بِالْأَمْرِ مَكَانُ النِّظَامِ مِنَ الْخَرَزِ يَجْمَعُهُ وَ يَضُمُّه فَإِذَا انْقَطَعَ النِّظَامُ تَفَرَّقَ وَ ذَهَبَ ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ بِحَذَافِيرِهِ أَبَدا» (سید رضی،۱۳۷۲، ص۱٦٤).

در زبان و ادبیات فارسی، نظام به معنای سامانه و سیستم هم بکار می‌رود. واژه نظام از ریشه (نظم) اتخاذ شده و به معنی نظم دادن، به رشته درآوردن تسبیح یا مروارید، عادت و روش به کار رفته است (فرهنگ عمید، ج۲، ذیل واژه). این واژه معادل واژه انگلیسی system در زبان فارسی به کار می‌رود. سیستم را اینگونه تعریف

کرده‌اند: مجموعه منظمی که برای هدف مشترک کنار هم آمده‌اند. نظـام بـه معنـای عام، مجموعه عناصری هسـتند کـه روابـط متقابـل و مشخصـی بـا یکـدیگر دارنـد (حاجی‌ده آبادی، ۱۳۹۸، ص۲۵).

۲ـ۴. معنای اصطلاحی نظام

به طور کلی نظام در اصطلاح عبارت است از مجموعه اجزای مرتبط و به هم پیوسته که مرکب واحدی را تشکیل می‌دهند و هدف مشخصی را دنبال می‌کنند؛ به گونـه‌ای که اگر در یک جزء آن خللی وارد شود، همه اجزا از کار مـی‌افتنـد و اثـر خـود را از دست می‌دهند. (شعاری نژاد، ۱۳۷۵، ج۲، ص٤١٠).

علیرغم آنکه به شهادت لغویون در معنای لغوی نظام وحدت وضع وجـود دارد، در معنای اصطلاحی آن تعدد و تنوع مشاهده می‌شـود. بـه‌طوری کـه در مقـام‌هـای متفاوت، معانی گوناگونی از آن اراده شده است.

استعمال این واژه در گزاره‌هایی همچون نظـام آموزشـی، نظـام سیاسـی و نظـام اجتماعی به کثرت اتفاق افتاده است. و منظور از آن اصول و قواعدی است که چیزی بر آن نهاده شده است. در اصطلاح دیگر نظام به معنای دستگاه سیاسی حکومت به کار رفته است. همچنین گاهی واژه نظام به معنای بنیاد اسلام مطرح می‌شود (خمینی، ۱۳۹۲ش، ج۱، ص٥١٤).

جمعی از محققین در مقاله «مفهـوم نظـام و کـاربرد آن در فقـه و اصـول» یـک تقسیم بندی جامع از استعمالات مختلف این واژه ارائه کـرده انـد کـه در اینجـا بـه اختصار اشاره می‌شود (ملک افضلی اردکانی، محسن و حایری، محمد حسن و فخلعی، محمد تقی و ارسطا، محمد جواد،۱۳۹۱):

۱ـ۲ـ۴. نظام به معنای کیان کشور اسلامی و مسلمانان

استفاده ازنظام به این معنا غالبا در مباحث جهاد و دفاع از کشور اسلامی بـه چشـم می‌خورد که از آن تعبیر به حفظ بنیاد اسلام می‌گردد.

امام خمینی﵀ واژه نظام را در این معنا بـه صـورت متعـدد اسـتعمال کـرده‌انـد و فرموده‌اند:

«اگر کشور اسلامی یا مرزهای آن مورد هجوم دشمنان قرار گیرد بـه گونـه‌ای کـه ترس بر بیضه اسلام رود، بر مسلمین واجب است به هر وسـیله‌ای، اعـم از جـان و مال به دفاع از آن بپردازند» (خمینی، ۱۳۹۲ش، ج۱، ص٥١٤).

۲ـ۲ـ۴. نظام به معنای حکومت یا شیوه رهبری (رژیم سیاسی)

گاهی لفظ نظام به معانی حکومت یا شیوه رهبری سیاسی به کار می‌رود مانند «نظام جمهوری اسلامی ایران» که منظور، نظام سیاسی و شیوه حکومت سیاسی می‌باشـد که مبتنی بر اسلام گرایی وجمهوریت است.

۳ـ۲ـ۴. نظام به معنای خرده نظامهای اجتماعی و فرهنگی

ممکن است یک نظام بزرگ از خرده نظام‌های مختلفـی تشـکیل گـردد. مثـل نظـام اجتماعی که از خرده نظاماتی همچون نظام سیاسـی، فرهنگـی و اقتصـادی سـاخته شده و وجود نظم در هر یک از این موارد، منجر به تشـکیل نظـام اجتمـاعی کلـی و بزرگ می‌شود. همچنین، هر یک از این خـرده نظام‌هـا دارای تعریـف مسـتقل خـود هستند و هر یک شامل ارکانی می‌باشـند کـه در موقعیـت خـود مـورد بررسـی قـرار گرفته‌اند.

مشق فقاهت
سال چهارم | شماره هفتم
بهار و تابستان ۱۴۰۵

۴ـ۲ـ۴. نظام به معنای دین

از این عنوان در متون دینی به عنوان نظام الملـه نیـز یـاد شـده اسـت. در بعضـی از روایات اطاعت از اهل بیت علیهم‌السلام را از عوامل حفظ نظام المله نام برده اند مانند روایتی که منقول است از حضرت فاطمه علیهاالسلام در مورد فدک که فرموده‌اند:

«فَفَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشِّرْكِ، وَ الصَّلَاةَ تَنْزِيهاً عَنِ الْكِبْرِ، وَ الصِّيَامَ تَثْبِيتاً لِلْإِخْلَاصِ، وَ الزَّكَاةَ تَزْيِيداً فِي الرِّزْقِ، وَ الْحَجَّ تَسْلِيَةً لِلدِّينِ، وَ الْعَدْلَ تَنَسُّكاً لِلْقُلُوبِ، وَ طَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّة» (مجلسی،١٤٠٣ق، ج۲۹، ص٢٤١).

ملت دارای معانی مختلفی است که دین و شریعت یکـی از آنهاسـت. در متـون دینی اغلب به همین معنا به کار برده شده است (معلـوف، ۱۳۷۱، ص۱۳۵۸، مهنـا، ١٤١٣، ج۲، ص٥٧٤).

۵ـ۲ـ۴. نظام به معانی نظام معیشت مردم

بین این معنا از نظام و معانی دیگر رابطه‌ای طولی برقرار است به گونه‌ای که اختلال در هر کدام از آنها سبب اختلال در نظم معیشت مردم و حفظ آنها مقدمه‌ای بر حفظ نظم معیشت مردم می‌شود و به صورت کلی نظام معیشت معنای وسیعتری از بقیه نظام‌ها دارد.

با بررسی برخی از انظار می‌توان گفت که در متون فقهی منظور از نظام در واجبات نظامیه، نظم معیشت است. لذا در این پژوهش همین معنا از نظام را دنبال خواهیم کرد (بحرالعلوم، ۱۳٦۲، ج۲، ص۵، خوئی،۱٤۱۰، ج۲، ص۹، بروجردی، ۱۳۹٤ه ش، ج۱، ص٤۰۳).

برای صحت‌سنجی این ادعا لازم است معنای معیشت بررسی، و ارکان آن مشخص شوند.

۱ـ۵ـ۲ـ۴. معنای معیشت

در معنای لغوی معیشت گفته شده: ما تکون به الحَیاة من مَطْعَم و مَشْرَب و غیرهما. (خلیل ابن احمد، ۱٤۰۹، ج۲، ص۱۸۹) در معانی دیگر به خود زندگی کردن نیز معیشت گفته شده. (بستانی،۱۳۷۵، ص۸٤۳) و این نشان می‌دهد که هم می‌توان به اسبابی که به وسیله آنها زندگی ادامه پیدا می‌کند مانند اطعمه و اشربه معیشت گفت و هم می‌توان بر خود زندگی کردن این واژه را اطلاق کرد.

با توجه به معنای لغوی معیشت روشن می‌شود که نظم معیشت به ساماندهی زندگی و اسباب آن است؛ به گونهای که اجزا مختلف آن مانند دانه تسبیحی در کنار هم باشند و از هر سببی که منجر به اختلال در این مسئله شود دوری جویند.

۲ـ۵ـ۲ـ۴. معنای نظم معیشت

مرحوم نائینی در تعریف نظم معیشت گفته‌اند:«حفظ نظامات داخلیّه ی مملکت و تربیت نوع اهالی و رسانیدن هر ذی حقّی به حق خود و منع از تعدّی و تطاول آحاد ملّت بعضهم علی بعض إلی غیر ذلك از وظایف نوعیّهء راجعه به مصالح داخلیّه مملکت و ملّت» (نائینی، ۱۳۸۲، ص۳۹).

در واقع، نظم معیشت به تأمین نیازهای اساسی مردم، از جمله آب، غذا، مسکن،

پوشاک، بهداشت، و سایر امکانات ضروری برای زندگی اشاره دارد. این نظم به توزیع مناسب منابع و ایجاد شرایطی برای تأمین این نیازها می‌پردازد. همچنین، نظم معیشت به توازن بین تولید، توزیع، و مصرف منابع اقتصادی نیز می‌پردازد.

۳ـ۵ـ۲ـ۴. ارکان معیشت

رکن یک چیز به معنای هر امری است که به وسیله آن تقویت می‌شود (مهنا، ۱٤۱۳، ص ۵۱۰).

براین اساس ارکان معیشت مردم می‌تواند شامل موارد زیر شود:

۱. تامین نیازهای اساسی از قبیل سرپناه و مسکن، آب، غذا و پوشاک.
۲. شغل و اشتغال؛ دسترسی به فرصت‌های شغلی و ایجاد اشتغال برای مردم که فقدان آن مایه تعطیلی زندگی است.
۳. تحصیلات و آموزش؛ افزایش توانمندی‌ها و ایجاد فرصت‌های شغلی بوسیله اموزش امکان پذیر می‌شود.
٤. سلامت و بهداشت؛ دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی، پیشگیری از بیماری‌ها و حفظ سلامتی از ارکان معیشت مردم به حساب می‌آید.
۵. امنیت اجتماعی و اقتصادی؛ قطعا امنیت داشتن در جامعه، تضمین حقوق اقتصادی، رشد اقتصادی و توزیع عادلانه منابع از اساسی ترین زمینه های ایجاد نظم و ارامش در زندگی است.

با توجه به این مطالب هر آنچه نظم معیشت مردم به آن وابسته باشد واجب بوده و از هر آنچه سبب اختلال در آن می‌شود باید دوری جست.

۵. ادله وجوب واجبات نظامیه

عمده‌ترین دلیل وجوب موضوعات مطرح شده، توقف اقامه نظام بر آنهاست. حفظ و اقامه نظام وجوبش ثابت است پس هرآنچه مصداق اقامه نظام باشد، واجب می‌شود. چنانچه شیخ انصاری﵀ در مکاسب خود عبارت «لوجوب إقامة النظام» را آورده است (انصاری،۱٤۱۵، ج۲، ص۱۳۷). بررسی و تحقیق در این باره از این نقطه شروع می‌شود که دلیل وجوب اقامه نظام چیست؟ ادله عقلی این مسئله کدام است؟ نظر شرع در این باره چیست؟

۱ـ ۵. ادراک عقلی

از مهمترین ادله‌ای که برای وجوب حفظ نظام اقامه می‌شود درک عقل است. تقریب دلیل و برهان عقلی متوقف بر بیان چند مقدمه است:

الف.انسان موجودی است که بالفطره به اجتماعی زیستن تمایل دارد. تاریخ به خوبی شهادت می‌دهد که انسان برای رسیدن به امیال و آرزوهایش معاشرت و هم زیستی را انتخاب کرده است.

ب. لازمه زیست اجتماعی، نظاممند بودن است؛ نمی‌توان نظم را از زندگی جمعی جدا کرد. حاکمان بشری در سطوح مختلف همواره قوانینی برای تحقق بهتر نظم اجتماعی وضع می‌کردند. حتی در میان اندیشمندان غربی کسانی مانند هابز که قراردادهای اجتماعی را مخالف طبیعت انسان و تحمیل شده بر او می‌دانند، برای جلوگیری از هرج و مرج و رسیدن همگان به خواسته هایشان نظریه «قرارداد اجتماعی» را مطرح می‌کنند؛ ارضای امیال فردی نمی‌تواند با وجود هرج و مرج در جامعه امکان پذیر باشد؛ زیرا در این صورت، هیچ کس به خواسته اش نمی‌رسد. راه حل نهایی آن است که انسان ها با یکدیگر هم‌اوا شوند و یک قرارداد اجتماعی را به وجود آورند (یوسف‌زاده. ۱۳۹۰، ص۶۹).

اینها مدعی هستند روابط انسانی مبتنی بر اصل رقابت است و زور و فریب مؤثرترین وسایل برای رسیدن به خواسته‌هاست. همگان می‌توانند از این وسیله استفاده کنند. بنابراین، موجبات هرج و مرج در جامعه فراهم می‌شود (همان).

ازین رو نظم را لازمه زندگی اجتماعی بشری می‌دانند.

ج. عقلای عالم برخورداری اجتماع بشر را از نظم ضروری دانسته و هر آنچه سبب اختلال در نظم آن شود را منع می‌نمایند. شارع مقدس نیز بر این حکم عقل صحه گذاشته و برخی احکام را بر همین مسئله مترتب نموده است. شیخ انصاری رحمه‌الله به این مسئله اشاره نموده و می‌گوید: «قاعده نفی حرج به وسیله ادله اربعه ثابت است. در این مبحث عقل مستقلا حکم به قبح تکلیف به آنچه سبب اختلال نظام امر مکلفین شود، می‌کند» (انصاری، ۱٤۱٦ ق، ج۱، ص۱۹٦).

نتیجه‌ای که از این مقدمات به دست می‌آید حکم عقل بر لزوم حفظ نظم و نظام

اجتماعی است؛ به طوری که ایجاد اختلال در آن خلاف درک و حکم عقل محسوب می‌شود.

عقل یکی از حجّت‌های الهی است که از منابع استنباط احکام فقهی به شمار می‌آید؛ (مظفّر، محمدرضا، ۱٤۳۰ ق، ج۲، ص۲٦٤) هنگامی که عقل حفظ نظام را در راستای پیشگیری از هرج و مرج و ضروری اعلام کند، دین نیز وجوب آن را لازم و واجب می‌داند.

۲ـ۵. کتاب و سنت

در کتاب و سنت نیز دلالت‌های روشن بر وجوب حفظ نظام وجود دارد. از یک طرف آیات و روایات مسئله حفظ نظم و دوری از فساد را مطرح می‌کنند که می‌تواند دلیل واضح این مسئله باشد، از طرف دیگر برخی از آیات و روایات مسئله ضرورت حکومت بر جامعه را عنوان می‌کنند که مبتنی بر بداهت لزوم حفظ نظام است.

در قرآن کریم وقتی سخن از نظام آفرینش می‌شود، خداوند را حاکم و ناظم مجموعه آسمانها و زمین معرفی کرده است. ﴿**إِنَّ اللَّهَ يمْسِک السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولا**﴾ (فاطر: ٤١).

نظم در هر دستگاه نشانه وجود علم و قدرت نهفته در نهان آن دستگاه است و تصادف، هرگز نمی‌تواند مبدأ نظام و حساب گردد. همان گونه که در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام آمده که «مهمل کاری هرگز نتیجه درست نمی‌دهد، و تضاد مبدأ نظام نمی‌گردد». (مجلسی، محمدباقر، ج۳، ص٦۳).

در تکوین آفرینش نظمی در نظر گرفته شده و خداوند آسمانها و زمین را نگه می‌دارد تا از مسیر خود منحرف نشوند. این حکیمِ قادر، برای بقاء ممکنات نیز قواعد محکمی تشریع نموده به‌طوری که وجوب حفظ نظام و حرمت اختلال در آن، از احکام اوّلیه اراده تشریعی به شمار می‌آید.

در آیات متعددی از قرآن کریم، فساد در ارض را مورد نهی قرار داده و به صراحت اعلام می‌دارد که خداوند فاسدین را دوست نمی‌دارد (اعراف: ۷٤؛ بقره: ٦۰).

از آنجا که اختلال در نظام نیز از مصادیق فساد بلکه از اعظم مفاسد می‌باشد لذا مصداقی برای این نهی محسوب می‌شود.

برقراری نظم و دوری از فساد در زمین در درجه بالایی از اهمیت قرار دارد به طوری‌که مفسدین و برهم زنندگان صلاح و اصلاح امور هیچ حظی از ثواب‌های اخروی نخواهند داشت ﴿تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُها لِلَّذينَ لا يُريدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَ لا فَساداً وَ الْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقينَ﴾؛(قصص: ۸۳).

در حدیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام به این نکته اشاره شده که برخوردار بودن مردم از فرمانروا و امیر امری ضروری است (سید رضی،۱٤۱٤، ص۳۸).

امام رضا علیه السلام در همین باره می‌فرماید:

«انَّا لاَ نَجِدُ فِرْقَةً مِنَ الْفِرَقِ وَ لاَ مِلَّةً مِنَ الْمِلَلِ بَقُوا وَ عَاشُوا إِلاَّ بِقَيِّمٍ وَ رَئِيسٍ لِمَا لاَ بُدَّ لَهُمْ مِنْهُ فِي أَمْرِ الدِّينِ وَ الدُّنْيَا» (ابن بابویه، ۱۳۸۵ ه.ش، ج۱، ص۲۵۳).

هرچند مسئله حفظ نظام جامعه از جمله مسائل مهمی است که مسئول معینی ندارد و شخص خاصّی متولّی آن نیست اما فرمایش امام علی و امام رضا علیهما السلام می‌رساند که برپایی حکومت لازم است تا این مشکلات را که متولّی خاصی ندارد تا حدودی بر عهده بگیرد.

مشرق مهدویت
سال چهارم | شماره هفتم
بهار و تابستان ۱۴۰۵

«مسائل مهمی که مسئول معیّنی ندارد مثل حفظ نظام جامعه، امن السّبیل (امنیّت جادّه‌ها)، قتال العدوّ، حفظ اموال غُیّب (افرادی غایب هستند و مثلاً سیلی در شهر افتاده و اموال آنها تلف می‌شود کسی باید اموال آنها را حفظ کند)، حفظ اموال قُصّر (ایتامی که کسی را برای سرپرستی ندارند) اصلاح شوارع، اجراء حدود، احقاق حقوق، در این موارد شخص خاصّی متولّی نیست. در عرف عقلا از قدیم الایّام این گونه امور بدون متولیِّ خاص، به عهدهٔ حکومت بوده و اصلاً فلسفهٔ تشکیل حکومت همین است که این مشکلات را که متولّی خاصی ندارد بعهده بگیرد. گاهی از این امور یا بعضی از اینها را به امور حسبیّه تعبیر می‌کنند که بر عهدهٔ حکومت است. بنابراین دایرهٔ اختیارات حاکم شرع تمام امور زمین‌ماندهٔ جامعه است که مسئول خاصّی ندارد و اگر حکومت متولّی آن نباشد، هرج و مرج می‌شود و نظام مختل می‌گردد» (مکارم شیرازی، کتاب النکاح، ۱٤۲٤ق، ج۲، ص ٥٦).

روشن است که پایه این مطلب (یعنی ضرورت حکومت)، لزوم جلوگیری از هرج و مرج و اقامه نظام معیشت است.

ضرورت حکومت و امارت که در احادیث شرعی به وفور به آن اشاره شده چه دلیل دیگری می‌تواند داشته باشد الا اینکه امور مهم زندگی مردم روی زمین نماند؟

امیرالمومنین علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«إِنَّهُ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ يَعْمَلُ فِي إِمْرَتِهِ الْمُؤْمِنُ وَ يَسْتَمْتِعُ فِيهَا الْكَافِرُ وَ يُبَلِّغُ اللَّهُ فِيهَا الْأَجَلَ وَ يُجْمَعُ بِهِ الْفَيْءُ وَ يُقَاتَلُ بِهِ الْعَدُوُّ وَ تَأْمَنُ بِهِ السُّبُلُ وَ يُؤْخَذُ بِهِ لِلضَّعِيفِ مِنَ الْقَوِيِّ حَتَّى يَسْتَرِيحَ بَرٌّ وَ يُسْتَرَاحَ مِنْ فَاجِرٍ» (سید رضی،۱۳۷۲ه ش، ص۳۸).

«مردم را حاکمی باید، نیکوکار یا تبهکار، تا در حکومت او مرد با ایمان کار خویش کند، و کافر بهره خود برد، تا آنگاه که وعده حق سر رسد و مدت هر دو در رسد. در سایه حکومت او مال دیوانی را فراهم آورند و با دشمنان پیکار کنند، و راهها را ایمن سازند و به نیروی او حق ناتوان را از توانا بستانند، تا نیکوکردار روز به آسودگی به شب رساند و از گزند تبهکار در امان ماند».

تمام مسائلی که حضرت امیر برای تبیین ضرورت و لزوم حاکم در جامعه بیان می‌فرماید، از مصادیق نظم زندگی است. انگار حضرات معصومین علیهم‌السلام بداهت و روشنی این امور را به اندازه‌ای می‌دیدند که نیازی به ارائه دلیل برای اصل آن نباشد. لذا سخن از حاکم و حکومت به میان می‌آورند!

از اینگونه روایات و روایات دیگر فهمیده می‌شود که وجوب حفظ نظام وحرمت اختلال به آن امری مورد توجه در دین مبین اسلام است.

۳ـ ۵. اجماع

بداهت مسئله حفظ نظام و دفع هرج و مرج از زندگی جامعه اسلامی به اندازه ایست که می‌توان ادعا کرد تمام فقهاء اسلام بر این مسئله اتفاق نظر دارند. گرچه ممکن است در تطبیق حکم وجوب بر مصادیق اختلاف نظر وجود داشته باشد، اما اصل مسئله قابل خداش و نقاش نیست. در موارد زیادی از منابع فقهی دیده می‌شود که فقیه برای اثبات یک حکم به همین مسئله استناد می‌کند بدون اینکه دلیل نقلی بر آن اقامه نماید (مکارم شیرازی، انوارالفقاهه، ص۵۵۷).

در بحث مکاسب اسلامی، مسئله‌ای مطرح می‌شود تحت عنوان اخذ اجرت بر واجبات. فقهاء عظام در ذیل این مسئله اقسامی از واجبات را مطرح می‌کنند که دلیل

وجوب آن حفظ نظام و مجتمع انسانی است و این سوال را بررسی می‌نمایند که آیا اخذ اجرت بر چنین واجبی، جائز است یا نه؟

با تدبر در فرایند شکل گیری این بحث و گفتگو در کتب فقهی، معلوم می‌شود که حفظ نظام به عنوان یک مسئله مورد اتفاق فقهاء از مبادی و مقدمات بحث بوده و کسی در این مسئله اشکالی ندارد. گرچه در برخی از مصادیق اختلاف نظر دارند اما به طوری کلی وجوب هر آنچه که عامل حفظ نظم معیشت و زندگی باشد، مورد پذیرش آنهاست (انصاری، شیخ مرتضی، مکاسب، ج۲، ص۱۳۷).

۶. مصادیق واجبات نظامیه

بعد از تبیین ماهیت و حکم واجبات نظامیه و اینکه مقصود از حفظ نظام معیشت، رعایت اموری است که اخلال و اختلال در آن نظام جامعه یا زندگی مردم را به نحوی از انحاء دچار مشکل کند، مسئله دیگری که به طور کلی می‌توان به آن اشاره کرد، مصادیق این گروه از واجبات است. هرچند به جهت تغییر سبک زندگی و تفاوت سنتهای اجتماعی در اعصار و امصار مختلف و نیز رشد و توسعه نیازهای زندگی، شاهد به وجود آمدن نیازهای جدیدی برای بشر هستیم و این امر باعث می‌شود که واجبات نظامیه قابل إحصاء نباشند، اما برای تقریب به ذهن می‌توان دسته‌بندی‌های گوناگون از مصادیقی واجبات نظامیه ارائه نمود؛ در ادامه به عنوان نمونه به سه گروه از موضوعاتی که در نظم معیشت مردم تاثیر اساسی دارند اشاره خواهد شد:

۶ـ۱. اقتصاد و تامین نیازهای اساسی مردم

سطح مهمی از نظم معیشت مردم در گرو اقتصاد و حقوق مالی آنهاست. انسان در عصر کنونی برای تأمین معاش خود نیازمند درآمد مناسب و بازار آماده جهت تامین مایحتاج زندگی است. اقتصاد در زندگی بشر فراز و فرود زیادی داشته و در عصر حاضر مسائل اقتصادی جایگاه ویژه ای در آرامش زندگی مردم دارد. نظام پولی، بانکها، معاملات الکترونیکی، تسهیلات، بیمه‌ها و سایر خدمات مالی جزء جدایی‌ناپذیر زندگی انسان امروزی شده به‌طوری که حتی افرادی که در روستاها و دور

از امکانات شهری نیز زندگی می‌کنند، برای امرار معاش به این امور وابسته شده‌اند.

«چند سؤال اساسی در اقتصاد مطرح است: چه چیزی؟ چه مقدار؟ چگونه؟ برای چه کسی؟ این سؤالات در حوزه‌های گوناگون اقتصادی اعم از تولید، مبادله و مصرف وجود دارد و از این رهگذر به تجزیه و تحلیل شرایط و روابط و نیز مطالعه و بررسی فعالیت‌ها و روانه‌های اقتصادی می‌پردازند. انسان برای پاسخ دادن به نیازها و خواسته‌های خویش و در جهت‌برطرف نمودن آن‌ها، ناچار دست‌به فعالیت می‌زند و از این طریق، امور اقتصادی خود را اداره می‌نماید» (ثابت، نگاهی به ماهیت اقتصاد و رفتار اقتصادی بشر، ۱۳۸۱).

نمونه‌هایی از مسائل موثر در نظم اقتصادی مبتنی بر نظام تولید و توزیع در ادامه بیان می‌شود:

۱ـ۱ـ۶. تولید محصولات آشامیدنی، کشاورزی و دامی

از اساسی‌ترین نیازهای بشر برای ادامه حیات دسترسی به آب و غذای مناسب است. در زمانهای گذشته شرایط به گونه‌ای بود که انسان برای فراهم کردن این امور رنج زیادی متحمل می‌شد و علیرغم صرف نمودن زمان زیاد در تولید، به حداقل محصولات به صورت شخصی دسترسی پیدا کرده و به همان اکتفا می‌کرد. رفته رفته به جهت پیشرفت صنعت و تنوع مشاغل، افراد خاصی به این مشاغل پرداخته و عهده‌دار تولید در این عرصه شدند. به طوری‌که وابستگی اجتماعی به صنایع کشاوری و دامداری و امثال آن برای سایر مردم که جمعیت معتنابهی هستند، ایجاد شده است. به همین جهت می‌توان گفت «این حرفه به عهده گیرنده تولید ارزاق مردم بوده و از این جهت واجب نظامی می‌باشد» (خوئی، ۱٤۱۰، ج۲، ص۹).

نظام اقتصادی بر پایه دو رکن تولید و توزیع شکل می‌گیرد. بر همین اساس، تولید سهم بسزایی در نظم دادن معیشت بشر دارد. قطعا نقص در تولید، موجب اختلال در نظام زندگی است. تدبیر در این مسئله به صورت واجب کفایی بر عهده مسلمین است که البته در صورت اقامه و برپایی حکومت و حضور من به الکفایه از سایر مردم برداشته می‌شود.

۲ـ۱ـ۶. محصولات مورد نیاز روزمره زندگی

از جمله مواردی که در سلسله نیازهای اقتصادی افراد جامعه قرار دارد، دسترسی به لوازم ضروری زندگی از قبیل پوشاک، مفروشات و منسوجات است. این حوزه شغلی نیز از مواردی می‌باشد که نظام معیشتی و زندگی مردم متوقف بر آن می‌باشد و از جهات گوناگون مانند تولید نخ و پارچه و دوخت ودوز باید تامین شود (حسینی عاملی، ۱٤۱۹، ج۱۲، ص۳۰٤).

همانطور که پیشتر گفته شد، سبک زندگی امروز بشر شرایط و نیازهایی را برای او پدید آورده که احتیاج انسان به این امور بسیار شدید شده و اختلال در اینها نه تنها مایه از بین رفتن آرامش و نظم زندگی انسان می‌شود بلکه امنیت او را به مخاطره می‌اندازد.

بدون دسترسی به غذا و پوشاک مناسب، سلامت و بهداشت افراد به خطر می‌افتد که می‌تواند به بیماری‌ها و مشکلات بهداشتی منجر شود. تأمین این سطح از نیازها به افراد احساس امنیت و آرامش می‌دهد و از بروز اضطراب و استرس جلوگیری می‌کند و در مقابل کمبود نیازهای اساسی می‌تواند افراد را به سمت ارتکاب جرم و جنایت سوق دهد تا نیازهای خود را تأمین کنند. همچنین می‌تواند به افزایش فقر و نابرابری در جامعه منجر شود که خود باعث بروز مشکلات اجتماعی و اقتصادی و در نهایت باعث افزایش نارضایتی عمومی شود.

۳ـ۱ـ۶. بازارهای تجاری و بنگاه‌های اقتصادی خورد و کلان

اقتصاد بر پایه دو رکن تولید و توزیع می‌چرخد. همانطور که تولید مایحتاج بشر ضروری است، توزیع آن هم لازم است. بازار به عنوان مراکز اصلی تأمین نیازهای جامعه، نقش حیاتی در حفظ نظم و امنیت جامعه دارد.

بازار امکان دسترسی آسان و سریع به کالاها و خدمات مورد نیاز مردم را فراهم می‌کنند؛ بسیاری از افراد از طریق فعالیت در بازارها کسب درآمد می‌کنند و این امر به پایداری اقتصادی جامعه کمک می‌کند. همچنین بازار با ایجاد رقابت سالم بین فروشندگان، به تنظیم قیمت‌ها و جلوگیری از انحصار کمک می‌کنند.

بدون بازارهای کارآمد، دسترسی به کالاها و خدمات محدود می‌شود و این امر می‌تواند به افزایش فقر و نابرابری در جامعه منجر شود.

۴ـ۱ـ۶. تامین منابع انرژی

چرخه زندگی در عصر کنونی متوقف بر تامین انرژی است اعم از انرژی‌های فسیلی، الکتریکی و یا انرژی‌های تجدیدپذیر. تامین انرژی به عنوان یکی از نیازهای اساسی جامعه، نقش حیاتی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی دارد. انرژی برای تامین نیازهای روزمره مردم، از جمله گرمایش، سرمایش، روشنایی، حمل و نقل و تولید صنعتی ضروری است.

وابستگی انسان امروزی به انرژی‌هایی همچون برق و گاز و محصولات نفتی بنزین به اندازی زیاد شده که هرگونه اختلال و کمبود آنها مایه آشفتگی و بهم ریختگی اساس زندگی آحاد جامعه می‌شود.

بدون سوخت و انرژی، وسایل نقلیه نمی‌توانند حرکت کنند؛ اینترنت و شبکه‌های ارتباطی نیازمند برق هستند؛ کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی برای فعالیت به انرژی نیاز دارند؛ بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی برای ارائه خدمات به انرژی نیاز دارند. بدیهی است که نقص انرژی باعث اختلال در زنجیره تأمین کالاها و مختل شدن ارتباطات و به خطر افتادن جان بیماران و کاهش کیفیت خدمات بهداشتی منجر شود.

با این توضیح نه تنها از باب حفظ نظام باید در این مسئله وارد شد، بلکه اهمیت حفظ نفوس مسلمین هم می‌تواند عامل دیگری بر وجوب این موضوع باشد.

گرچه سابقه زندگی بشر نشان می‌دهد که نسلهای زیادی از انسان‌ها بدون این موارد حیات خود را سپری کرده و سوخت و ساز خود را با راهکارهای کم هزینه‌تری مثل چوب و ذغال سنگ پیش برده است، اما طبیعت پیشرفت جوی بشر، زندگی با آن شرایط را برای جوامع امروزی تقریبا محال و غیر ممکن می‌داند.

منابع تامین انرژی علاوه بر فرایند تاسیس و تولید، در مراحل نگهداری هم نیازمند توجه هستند. تهدیدهای زیادی در بخش انرژی وجود دارد که باید نسبت به آنها مراقبت لازم انجام گیرد. تهدیدهایی از قبیل خطرات ناشی از نابودی طبیعی

کارخانجات و صنایع تولید منابع کـه از طریـق بلایـای طبیعـی و تغییـرات اقلیمـی صورت می‌گیرد و و نیـز حمـلات فیزیکـی کشـورهای متخاصـم یـا عملیـات‌هـای خرابکارانه‌ای که ممکن است انجام دهند. صنایع و دستگاه تولید انرژی در کشور ما با این دو تهدید بزرگ مواجه بوده و مراقبت از آنها حقیقتاً یک نیـاز اساسـی شـمرده می‌شود. چرا که معمولا سیستم‌های انرژی ساز با صرف هزینه‌های هنگفت سـاخته شده و هرگونه نقص در آنها اختلالات اقتصادی جبران ناپـذیری بـه زنـدگی مـردم و نظم اجتماع وارد خواهد کرد.

۲ـ۶. امنیت و دفاع از مرزها

انسان همواره برای به دست آوردن آرامش و آسایش خود تـلاش می‌کنـد و سـعادت خود را در آن می‌داند؛ آرزو دارد مشکلات تا حدی از زندگیاش رخت بـر بنـدد کـه بتواند با امنیت کامل به خواسته هایش برسد. شاید رسیدن به این آرزو سخت باشد، اما او تمام تلاش خود را می‌کند تا در حد توان و ظرفیت آنها را تامین کند.

در قرآن کریم برای بیـان همـین مفهـوم از آرامـش و امنیـت، از واژه‌هـایی چـون «أَمن»، «سلم» و مشتقّات آن دو و نیز جملاتی استفاده شده است که مفید این معنا است. همچنین در قرآن نشانه‌ها و آثاری برای امنیت بیان شده که می‌تـوان از طریـق آن، از وجود یا عدم وجود و نیز میزان امنیت در افراد یا جامعه آگـاه شـد. بـه عنـوان نمونه محیط امن از منظر کتـاب الهـی محیطـی اسـت کـه انسـان بـه راحتـی در آن احساس بندگی کند و به عبادت خدا بپـردازد (ذاریـات: ٥٦)؛ بـدون تـرس بـه کشـف حقیقت و تحقیق علمی بپردازد (توبه: ٦).

برای این سطح از امنیت مواردی وجود دارد که حفـظ و تـامین آن از ضـروریات زندگی بشـر محسـوب شـده و هرگونـه نقـص و اخـلال در آن باعـث هـرج و مـرج می‌گردد:

۱ـ۲ـ۶. نیروی انتظامی

وجود نیروهای نظامی حافظ امنیت از ضروریات زندگی جمعی است. «امّا سپاهیان و نیروهای مسلح با اذن پروردگار حافظان و پناهگاه رعیّت، زینت زمامداران، عـزّت

و شوکت دین و راه های امنیّت می‌باشند. قوام رعیت جز توسط این گروه ممکن نیست» (صبحی صالح، نهج البلاغه، نامه ۵۳).

این شغل از جمله شغل‌هایی بوده که فقدان آن سبب هرج و مرج و به هم ریختگی امنیت مردم می‌شود این به هم ریختگی سبب اختلال در زندگی جامعه می‌شود از این رو بر عهده گیری این شغل در صورت فقدان از واجبات نظامیه می‌باشد. مراقبت از اموال، منازل، نوامیس و حفاظت از سرمایه‌های مادی جامعه در سایه تامین امنیتی است که بوسیله حضور نظامیان بدست می‌آید. تضعیف این سطح از امنیت ضربه سهمگینی به معیشت مردم وارد می‌کند. نیروی انتظامی در جامعه نه تنها برای حفظ امنیت و آرامش ضروری است، بلکه نقش مهمی در پیشگیری از جرایم و تقویت اقتدار حاکمیت ایفا می‌کند. این نیرو با حضور فعال و مقتدر خود، به ایجاد یک جامعه امن و آرام کمک می‌کند و زمینه‌ساز توسعه و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی می‌شود.

۲ـ۲ـ۶. حفاظت از مرزهای جغرافیایی

سال چهارم | شماره هفتم
بهار و تابستان ۱۴۰۵

مرزبانی و مراقبت از حملات دشمنان در مرزها و نفوذ بیگانگان، از جلوه‌های دیگر امنیت محسوب می‌شود. مرزهای جغرافیایی کشور اسلامی باید از تعرض دشمن مصون باشد تا بیگانگان نتوانند به جان و مال و حیثیت مسلمانان تعرّض نمایند. این نوع امنیّت نیز از واجبات نظامیه محسوب می‌شود زیرا اختلال در آن سبب سودجویی دشمن شده به گونه ای که زندگی و معیشت مردم را بر هم می‌زنند.

۳ـ۲ـ۶. امنیت سایبری

از جلوه‌های امنیت در عصر کنونی، امنیت سایبری است؛ به معنای محافظت از سیستم‌های متصل به اینترنت شامل سخت‌افزار، نرم‌افزار و داده‌ها در برابر تهدیدات دیجیتال. بستر اینترنت به جهت تسهیل در دسترسی و نظم در جمع آوری اطلاعات و پیشبرد کارها، به سرعت جای خود را در زندگی بشر پیدا کرد. امروزه درصد زیادی از زندگی مردم به سیستمهای سایبری و فضای مجازی وابسته شده و حکومت‌ها نیز شئون مختلف زندگی مردم مانند آموزش عالی، کسب و کارهای اقتصادی، امور

مرتبط با بهداشت و سلامت، ثبت اسناد تملیکی و امثال این امور را در بستر اینترنت دنبال می‌کنند و هزینه های فراوانی برای ایجاد دولت الکترونیک پرداخت می‌نمایند.

در چنین وضعیتی که اینترنت و فضای مجازی جزء لاینفک زندگی بشری شده، جامعه نسبت به اختلال این امور بی تفاوت نخواهد بود و قطعا آرامش روحی و انتظام زندگی رابطه تنگاتنگی با برقراری نظم در این امور دارد.

۳ـ۶. بهداشت و درمان

در حدیثی از امام صادق﵇ چنین آمده است: «لایسْتَغْنی اهْلُ کلِّ بَلَدٍ عَنْ ثَلٰاثٍ یفْزَعُ الَیه فی امْرِ دُنْیاهُمْ وَ آخِرَتِهِمْ، فَانْ عُدِمُوا ذلِک کانُوا هَمَجاً؛ فَقِیهُ عالِم وَرِع، وَ امیر خَیر مُطاع، وَ طَبیب بَصیر ثِقَة؛ اهل هر شهری از سه چیز بی‌نیاز نیستند تا در امور دنیا و آخرت به آن پناه برند؛ اگر اینها را از دست دهند سقوط می‌کنند؛ فقیه آگاه و باتقوی، و امیر خوب مورد اطاعت، و طبیب بینا و معتمد» (حرانی، تحف العقول، ۱۳۶۳، ص ۳۲۱).

با پیشرفت‌های چشمگیر حوزه سلامت، روش زندگی بهداشتی و نیازهای مرتبط با حوزه درمان بشر تغییر کرده است. پیوند صنعت و سلامت، ارتباط اقتصاد و بهداشت، تاثیر آموزش در مسائل بهداشتی و مواردی از این قبیل باعث شده مولفه‌های ضروری و مورد نیاز زندگی در این زمینه تنوع پیدا کند. از باب نمونه به برخی از ضرورترین آنها اشاره می‌شود:

۱ـ۳ـ۶. دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی

آحاد افراد جامعه برای حفظ سلامت خود نیازمند دسترسی به مراکز بهداشتی درمانی مناسب هستند. این خدمات شامل بیمارستان‌ها، کلینیک‌ها، مراکز بهداشت و درمانگاه‌ها می‌شود که نقش حیاتی در تامین سلامت جامعه دارند. خدمات بهداشتی و درمانی شامل پیشگیری، تشخیص و درمان بیماری‌ها، مراقبت‌های بهداشتی اولیه و خدمات اورژانسی است. بدون دسترسی به این خدمات، سلامت افراد به خطر می‌افتد و می‌تواند به افزایش بیماری‌ها و مشکلات بهداشتی منجر شود و در نهایت عنان زندگی و کسب و کار و نظام جامعه منحل خواهد شد.

۲ـ۳ـ۶. نظام بیمه‌های درمانی

پدیده نوظهور نظام بیمه‌های درمانی که تأمین هزینه‌های درمانی افـراد را برعهـده دارد چرخهٔ بزرگی از نظام سلامت را به خودش کشانده است. بیمه‌های درمانی بـا پوشـش هزینه‌های درمانی و کمک به جامعه نگرانی از هزینه‌های درمانی را مرتفع ساخته و در دسترسی به خدمات بهداشتی تسریع و تسهیل انجام می‌دهد. امروز دیگر بـدون نظـام بیمه‌های درمانی، بسیاری از افراد نمی‌توانند هزینه‌های درمانی خود را تأمین کنند.

با دقت در اهمیت مسائل بهداشتی و درمانی روشن می‌شود که اخـتلال در ایـن سامانه چه هرج و مرجی بوجـود آورده و چـه مشـکلات فراوانـی بـرای مـردم پدیـد می‌آورد. بنابراین قطعا تقویت نظام سلامت از ضـروریات زنـدگی امـروز بـوده کـه می‌توان به استناد ادله مطرح شده، آن را از مصادیق واجب نظامیه مطرح کرد (انصاری، ۱٤۲۸، ج۲، ص۱۳۷).

اینها بخش کوچکی از مصادیق متنوع واجبات نظامیه هستند که بر اساس ملاک و معیاری که در ماهیت این امور ارائه شد، می‌توان نمونه‌های دیگری از آن را پیدا کرد.

سال چهارم | شماره هفتم
بهار و تابستان ۱۴۰۵

نتیجه گیری

واجبات نظامیه نقش ویژه ای در نظم و استحکام امور جامعه و معیشت مردم دارنـد و به دلیل تاثیرات گسترده‌ای که بر زندگی افراد دارند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

واجب به عنوان فعلی که به آن بعث شدید تعلق گرفته و از نظر شارع راهی بـرای ترک آن وجود ندارد، بر این امور تطبیق می‌شود. هرچنـد واجـب شـرعی تقسـیمات مختلفی دارد اما در مورد واجبات نظامیه می‌توان گفت به دلیل نقش حیاتی‌شـان در حفظ ساختار و استحکام امت و استیفای مصالح عمومی ابتداءً به صورت عینی بـر کسی واجب نیست و از واجبات فردی و عینی آحاد جامعه به شـمار نمـی‌رونـد. در صورت برپایی حکومت اسلامی می‌توان آنها را از وظایف حاکم اسـلامی برشـمرد. اما در صورتی که افراد کافی برای انجام این امور وجود نداشته باشـند، بسـان سـایر واجبات کفایی بر آحاد افرادی که توانایی لازم داشته باشـند، واجـب می‌شـود. اهـم ادله‌ای که این وجوب را اثبات می‌کند، درک عقلی، نصوص شرعی و اتفـاق علمـاء می‌باشد.

همچنین با توجه به تعریفی که از ماهیت این امور مطرح شد، و با لحاظ تاثیر این واجبات در ایجاد نظم و جلوگیری از هرج و مرج زندگی و معیشت مردم، مصادیق مختلفی از آنها را می‌توان بدست آورد که البته در طول حیات بشری تنوع مختلفی پیدا کرده است. از میان واجبات نظامیه که در زندگی امروزی جامعه به چشم می‌آید به برخی از آنها اشاره شد از قبیل نیازمندی های ضروری اقتصادی همچون تأمین کالاهای اساسی، تشکیل بازارهای تجاری، تأمین منابع انرژی؛ و نیز نیازمندی‌های امنیتی و مسائل مرتبط به دفاع از مرزها و در نهایت نیازمندی‌های حوزه سلامت و درمان و مواردی ذیل آن توضیح داده شد.

واجبات نظامیه به عنوان یکی از مسائل مهم در فقه اسلامی هستند که اجرای صحیح و کامل آنها می‌تواند به بهبود وضعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه کمک کند.

فهرست منابع

کتب

ـ قرآن کریم

ـ نهج البلاغه. (صبحی صالح) ١٤١٤ ه.ق. نشر هجرت. قم

۱. ابن‌بابویه، محمد بن علی، ۱۳۸۵ه ش، علل الشرائع، ج۱، قم . مکتبة الداوري.

۲. آخوند خراسانی، محمد کاظم ابن حسین، ١٤٠٩ ه.ق، کفایة الاصول (طبع آل البیت)، ج۱، قم. مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام.

۳. اصفهانی، محمد حسین، ١٤٠٩ ه.ق، بحوث فی الفقه، قم . جامعه مدرسین.

٤. انصاری، مرتضی ابن محمد امین، ١٤١٦ ه.ق، فرائد الاصول، ج۱، قم. نشراسلامی.

۵. انصاری، مرتضی بن محمدامین، ١٤١٥ه.ق. المکاسب ج۲. کمیته تحقیق تراث شیخ اعظم، قم. مجمع فکر اسلامی

٦. بحرالعلوم، محمد بن محمدتقی، ١٣٦٢ ه.ش، بلغة الفقیه، (محشی محمد تقی آل بحرالعلوم/ مصحح حسین بحر العلوم) ج۲. تهران . مکتب امام صادق علیه‌السلام.

۷. بروجردی، حسین. ۱۳۹۳ه.ش. الرسائل الفقهیه. ج۱. قم. موسسه آیه اللّه العظمی البروجردی لنشر معالم اهل البیت علیهم‌السلام

۸. بستانی، فواد افرام، ۱۳۷۵ ه.ش. فرهنگ ابجدی. مترجم رضا مهیار. تهران . نشر اسلامی.

۹. حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی. ۱۳۹۸ ه.ش. درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، قم. مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.

۱۰. حرانی. ابن شعبه. ١٣٦٣ ه.ق. تحف العقول، چاپ دوم. قم. انتشارات جامع مدرسین.

۱۱. حسینی عاملی، محمد جواد ابن محمد، ١٤١٩ ه.ق. مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه (ط الحدیثیه). محقق: خالصی محمد باقر. ج۱۲. قم. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۲. خلیل بن احمد، ١٤٠٩ه.ق. العین. محقق: ابراهیم سامرائی و مهدی مخزومی. گردآورنده محسن آل عصفور، ج۲و۸، قم . دار الهجرة.

۱۳. خمینی، سید روح اللّه، ۱۳۹۲ . ه.ش. تحریر الوسیله، ج۱، تهران. تنظیم و نشر آثار إمام خمینی رحمه‌الله.

١٤. خوئی، سید ابوالقاسم، ١٤١٠ ه.ق. منهاج الصالحین (خویی) ج۲، قم. مدینة العلم.

۱۵. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر، ۱۳۷۵ ه.ش. فرهنگ علوم رفتاری. تهران امیرکبیر.

١٦. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، ١٤١٣ه.ق، مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام. محقق: مؤسسة المعارف الإسلامیة.

۱۷. صدر، محمد باقر، ١٤١٧ه.ق، بحوث في علم الأصول، ج۵، بیروت. الدار الاسلامیه.

۱۸. طباطبایی، سید محمد حسین، ١٤٤٢ه.ق. بدایه الحکمه. محقق: مسلم قلی پور گیلانی، ج۱. قم. مرکز مدیریت حوزه های علمیه.

۱۹. طباطبایی کربلایی. علی بن محمد علی. ۱٤۱۸ه.ش، ریاض المسائل (ط. الحدیثة) محقق: مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث. ج۸، قم. مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام.
۲۰. عمید، حسن، ۱۳٦٤ه.ش. فرهنگ عمید.ج۲.تهران.امیر کبیر.
۲۱. قزوینی، علی بن اسماعیل، ۱٤۲٤ه.ق. ینابیع الأحکام في معرفة الحلال و الحرام. محقق: علی علوی قزوینی و سید یوسف علوی و عبد الرحیم جزمئی قروینی. ج۵، قم. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۲. مشکینی اردبیلی، علی، ۱۳۷٤ه.ش. اصطلاحات الاصول ومعظم ابحاثها، ج۱، قم. الهادی.
۲۳. مجلسی، محمد باقر، ۱٤۰۳ه.ق. بحار النوار لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم‌السلام. طبع بیروت.ج۲۹.بیروت.دار احیاء التراث العربی.
۲٤. مظفر محمد. رضا. ۱٤۳۰ ه.ق. اصول الفقه. قم: طبع انتشارات اسلامی. چاپ پنجم.
۲۵. معلوف، لویس، ۱۳۷۱ ه.ش. المنجد فی اللغة، قم، اسماعیلیان.
۲٦. مقدس اردبیلی،احمد ابن محمد.۱٤۱٦. مجمع الفائده والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان.ج۸.قم. جماعه المدرسین فی حوزه العلمیه بقم موسسه النشر الاسلامی.
۲۷. مکارم شیرازی. ناصر. ۱٤۲٤ه.ق. کتاب النکاح. ج۸.قم.مدرسه الامام علی ابن ابی طالب علیه‌السلام.
۲۸. مکارم شیرازی. ناصر.۱٤۲۵ق. انوار الفقاهه(بیع).قم. مدرسه الامام علی ابن ابی‌طالب علیه‌السلام.
۲۹. مهنا، عبد اللّه علی. ۱٤۱۳ه.ق. لسان اللسان. تهیه کننده المکتب الثقافی لتحقیق الکتب. مصحح عبد اللّه علی مهنا، ج۲. بیروت. دار الکتب العلمیة.
۳۰. نائینی، محمد حسین. ۱۳۸۲ه.ش. تنبیه الأمة وتنزیه الملة. قم. انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۱. یوسف‌زاده.حسن.۱۳۹۰.ه.ش.اسلام، نظم وانضباط اجتماعی.تهران.پژوهشگاه فرهنگ،هنر وارتباطات.

مقالات

۱. ثابت، سید عبدالحمید، (۱۳۸۱)، «نگاهی به ماهیت اقتصاد و رفتار اقتصادی بشر»، پگاه حوزه، قم، شماره ۷۲.
۲. حسینی، سید علی، (۱۳۹۲)، «قاعده فقهی حرمت اختلال نظام و کاربرد آن در حوزه ارتباطات و رسانه»، پژوهش‌نامه فقه اجتماعی، تهران، دوره ۲، شماره ۳.
۳. ملک‌افضلی اردکانی، محسن؛ حایری، محمدحسن؛ فخلعی، محمدتقی؛ و ارسطا، محمدجواد، (۱۳۹۱)، «مفهوم نظام و کاربرد آن در فقه و اصول»، فصلنامه فقه و اصول، مشهد، دوره ۴۴، شماره ۱.